

خبرنامه کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

جمعه ۶ شهریور ۱۳۸۸

سال دوم - شماره ۲۲ - شماره مسلسل ۶۹

کارگران علیه سرمایه تشکل شویم!



کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری
Coordinating Committee to
Form Workers Organization

در این شماره:

- | | |
|---|--|
| ۸ تجمع خانواده های بازداشت شدگان اخیر در مقابل دادسرای سرمایه | ۲ اوج گیری جنبش کارگری و وحشت طبقه سرمایه دار و دولت آن |
| ۸ گزارشی از کارخانه نساجی پارس ایران در رشت | ۳ اعتصاب کارگران واگن سازی پارس |
| ۹ اعتصاب ۹۵۰۰ کارگر فولکس واگن در مکزیک | ۴ تشدید استثمار و شرایط کار وخیم کارگران سیمان تهران |
| ۹ اعتصاب بزرگ در کارخانه فلزات ArcelorMittal در مکزیک | ۵ اجتماع اعتراضی کارگران چینی البرز |
| ۹ اخراج ۳۷۰۰ کارگر پست پریموندو Primondo | ۵ تعویق ۲۲ ماهه دستمزد کارگران نساجی |
| ۱۰ اعلام همبستگی کارگران فرانسه و بلژیک علیه بیکارسازی ها | ۵ اعتراض کارگران واگن پارس به مصادره ۴ ماه دستمزد |
| ۱۰ سرمایه و تولید افراطی جنایت | ۵ شبح انقلاب طبقه کارگر علیه نظام سرمایه داری |
| ۱۱ طرح اخراج ۸ هزار کارگر کنسرن مخابراتی Verizon در آمریکا | ۷ ورشکستگی ایران پویا و اخراج وسیع کارگران |
| ۱۱ کشته شدن بیش از ۷۶ کارگر کارخانه تولید برق آبی در سیبری | ۷ واکنش کارگران پارس متال به انعکاس خیر مبارزات خود در ماهواره |
| ۱۲ کشته شدن کارگر جوشکار در هلند در اثر سانحه کاری | |



نشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران را بخوانید صفحه ۱۳

اوج گیری جنبش کارگری و وحشت طبقه سرمایه دار و دولت آن

سال تمام است سرکوب شده از درون این شکاف آماده انفجار شده است. جناح راست سرمایه به دولتمردان و نمایندگان و دستگاه های سرکوبش هشدار می دهد که اوضاع بسیار وخیم تر از آن است که برخی ها می پندارند. قیام توده های کارگر در راه است و آنچه این قیام بر سر سرمایه خواهد آورد از نوع مجادلات مخملی و حریرگون ملامال از اخوت اصلاح طلبان حکومتی برای حفظ نظام نیست.

محتوای هشدار مهدیان در سایت الف به دولتمردان جناح مسلط قدرت سیاسی سرمایه اگر چه از سنخ هشدارها و انتقادات اصلاح طلبان به رقبای سیاسی خود نیست اما خمیرمایه های زیادی از همان ها را به همراه دارد. بنیاد کشمکش اصلاح طلبان نیز به طور خاص در دوره کنونی و از ماه های پیش از انتخابات به بعد آن بوده است که باید برای برنامه ریزی نظم تولیدی و سیاسی و مدنی سرمایه چاره اندیشی کرد. آنان نیز بارها بر این نکات پای فشرده که کل نظام در معرض خطر جدی است. گفتند و نوشتند و هشدار دادند که اقتصاد ویران است. موقعیت سرمایه داری ایران در تقسیم کار جهانی سرمایه اصلاً مطلوب نیست. ساختار نظم سیاسی پاسخگوی نیازهای واقعی امنیت سرمایه نیست. روابط بین المللی مشکل زا است و در کار انباشت هر چه سودآورتر سرمایه ها اختلال می کند. مسأله هسته ای در بن بست است. خطر شورش ها، خیزش ها و اعتراضات گسترده کارگران و توده های معترض در راه است. آنان نیز در هشدارهای خود بر این نکته تأکید می کردند که سرکوب با تمامی اهمیت و ضرورت و مبرمیت آن همیشه چاره ساز نیست و باید راه حل های مکمل آن را یافت و به کار گرفت. کل انتقادات اصلاح طلبان چیزی بیش از این نبوده و نیست.

مواضع جناح های مختلف سیاسی طبقه سرمایه دار ایران نشان می دهد که وضعیت موجود به هیچ وجه قابل دوام نیست. این را دیگر فعالان آگاه جنبش ضدسرمایه داری طبقه کارگر نمی گویند. این را مدافعان نظام بردگی مزدی از اقتصاددانان و نماینده مجلس و پژوهشگر و روزنامه نگار و اصلاح طلب و محافظه کار و عناصر صدر قدرت سیاسی همه و همه جار می زنند. در باره آن کشمکش و جدال می کنند. بر سر راه های مختلف غلبه بر آن تا سرحد حذف و زندانی کردن و محاکمه و بگیر و ببند هم پیش می روند و از هیچ توطئه ای علیه یکدیگر دریغ نمی کنند.

دیدیم و می بینیم که سرمایه داران و دولتمردان و متفکران اقتصادی و سیاسی و همه عمله و اکره و محافظان نظام بردگی مزدی از خطر فروپاشی این نظام حرف می زنند و همه بر ضرورت چاره گری برای رفع این خط تأکید می کنند. یکی بر تشدید هر چه بیشتر سرکوب اصرار می ورزد، دیگری از ناکافی بودن این راهکار می گوید و بر ضرورت اصلاحات در ساختار نظم سیاسی، تغییر شکل مالکیت سرمایه ها، بهبود روابط با سایر بخش های دنیای سرمایه داری و وضعیت بهتر مکان سرمایه داری ایران در سرمایه جهانی انگشت می گذارد. یکی راه های جدید برای تشدید هر چه بیشتر استثمار کارگران را توصیه می کند، دیگری کسر و کمبودهای این راه ها را هشدار می دهد. همه برای دفاع از سلطه مناسبات کار مزدی و یافتن ساز و کارهای مناسب تر تضمین بقای آن تلاش می کنند و همه تنها راه موفقیت را سلاخی هر چه وحشیانه تر آخرین بازمانده های معیشتی و نان بخور و نمیر فرزندان ما کارگران می دانند. سرمایه داران و دولت آن ها ۳۰ سال است - اگر از رژیم پیشین هیچ نگوییم - که بی وقفه این کار را انجام داده اند. میلیون ها نفر از همزنجیران ما را در گرداب هائل بیکاری و گرسنگی و فقر و فلاکت غرق کرده اند. میلیون ها کودک طبقه ما را در حاشیه خیابان ها کارتون خواب ساخته اند. تن فروشی را به تنها راه امرار

در گفتار روز پیشین به نکاتی از نوشته «محسن مهدیان» در سایت الف متعلق به یکی از بخش های جناح راست دولت سرمایه داری اشاره کردیم و یادآور شدیم که سرمایه داران و دولت آن ها چگونه از همین حالا خطر انفجار ضد سرمایه داری جنبش کارگری را احساس کرده اند و با ترس و لرز نشانه های وقوع این انفجار بزرگ را به یکدیگر نشان می دهند. نوشته حاضر دنباله همان بحث است. مقاله مندرج در سایت وابسته به احمد توکلی جمعیت مخاطراتی است که طبقه سرمایه دار و جناح های سیاسی رقیب درون و حاشیه حاکمیت سرمایه در برابر خود می بینند. واقعیت این است که تشدید هر چه عمیق تر مجادلات میان این جناح ها از مشاهده همین مخاطرات و چگونگی ارزیابی و تلاش برای غلبه بر آن ها کاملاً متأثر بوده است. برای ما کارگران بسیار مهم است که این مسائل را هر چه دقیق تر و آگاهانه تر کندوکاو کنیم و شناخت درست طبقاتی آن ها را چراغ راه مبارزه متشکل و کارآمد خود علیه دولت سرمایه و کل نظام بردگی مزدی سازیم.

نویسنده سایت الف از وضعیت اقتصادی کنونی سرمایه داری ایران سخن می گوید. تعطیل ۶۰۰ کارخانه در سال گذشته، شمار زیاد کارخانه های تعطیل در امسال و خطر گسترش ورشکستگی بنگاه ها و مراکز کار در ماه های آینده را یادآوری می شود. هشدارهای مکرر اقتصاددانان و از جمله هشدار بسیار جدی فعالان بخش خصوصی به دولت پیرامون ریسک جدی و قریب الوقوع از بین رفتن امنیت سودآوری سرمایه ها را بازگو می کند. محسن مهدیان توضیح می دهد که اوضاع چنان بحرانی است و بحران تا آن جا پیش رفته است که ۳۳ سرمایه دار خارجی دعوت شده از سوی دانشگاه صنعتی شریف هیچ رغبتی برای حضور در همایش ریاضی این دانشگاه از خویش نشان نداده اند. او اضافه می کند که حجم نقدینگی ها با سرعت بسیار زیادی بیش از ۲۷٪ کاهش یافته است، در حالی که نرخ انباشت سرمایه در حوزه های مختلف صنعت و تجارت و سایر بخش ها نیز به شدت افت کرده است. او کاهش سالانه ۵۲ درصدی قدرت خرید در جامعه را مورد تأکید قرار می دهد. بر هشدار جدی اتاق بازرگانی به وخامت شرایط بازتولید سرمایه ها انگشت می نهد. انفجار موج بیکاری و نرخ جهشی مستمر آن، بازدهی منفی ۴۴ درصدی بورس در صنعت فولاد، زیان دهی ۵۰ درصد واحدهای تولید شکر، توقف تولید در ۵۰ درصد دیگر این قلمرو صنعتی، کاهش ۴۲ درصدی مبادلات بانکی، بی سابقه بودن نکول چک ها و اوراق بانکی زیر فشار وخامت اوضاع اقتصادی، سقوط سریع بهای سهام ۱۵۰ شرکت بزرگ صنعتی، تعطیل ۶۰ درصد ظرفیت تولید کارخانه های تولید کننده لوازم خانگی، کاهش ۶۰ درصدی انباشت سرمایه در حوزه ساختمان، تراکم بدهی های بانکی به میزان ۵۶ هزار میلیارد تومان، همه و همه را در کنار معضلات دیگر نظام سرمایه داری حاکم فهرست می کند.

نویسنده به همه این نکات نظر می اندازد و سپس انگشت اشاره خود را به سوی جنبش کارگری، به دنیای جنگ و ستیز درون مراکز کار، به خیزش های گسترده کارگران و به آستانه قیام توده های کارگر دراز می کند. از آنچه در لاستیک دنا و نساجی بوکان و کشت و صنعت هفت تپه و ایران خودرو و لاستیک البرز و پرریس و بسیاری جاهای دیگر جهنم سرمایه داری ایران جریان دارد تکه هایی را بازگو می کند. از وضعیت اقتصادی به چشم انداز مبارزات غیرقابل مهار کارگران در آینده گذر می نماید و در همین راستا پرسش هایی جدی را با مخاطبان خود در میان می گذارد. ماحصل کلام او این است که شیرازه اقتصاد سرمایه داری ایران زیر فشار تناقضات سرکش اندرونی خود سخت ترک برداشته است، و طغیان موج بحران سرمایه جهانی و سرریز بسیار پرشتاب آن بر چرخه بازتولید کل سرمایه اجتماعی ایران این شکاف را بیش از حد عمیق کرده است. امواج اعتراضات کارگری که ۳۰

معاش بخشی از زنان طبقه ما تبدیل کرده اند. ما را از ابتدایی ترین امکانات دارو و درمان و آموزش به کلی محروم کرده اند. در یک کلام، زندگی همه ما را در کوره سودسازی سرمایه به طور کامل ذوب نموده اند. آنان همه این کارها را انجام داده اند و تازه امروز به دنبال تمامی این جنایات ما از خطر فروپاشی نظام سرمایه داری سخن می گویند و برای نجات سرمایه در تدارک جنایت های دیگری علیه ما هستند.

پرسش این است که چه باید بکنیم؟ آیا قرار است باز هم در زیر آوار عظیم تعرضات و تشدید استثمارها و کشت و کشتار های سرمایه کمر خم کنیم؟ چنین چیزی امکان پذیر نیست. کمری برای خم شدن باقی نمانده است. آیا بناست منتظر بمانیم تا قتل عام کنندگان ما به رحم آیند و مثلاً دار و دسته مسلط احمدی نژاد چند تومانی به دستمزد های ما اضافه کنند یا چند نفری از همزنجیران بیکار ما را مشغول کار سازند؟ سرمایه داران و دولت در همه سال های رونق سرمایه، در دوره های حاکمیت نرخ سودهای طلایی و خروش سیلاب های عظیم اضافه ارزش ها، لحظه به لحظه دستمزد های واقعی ما را کاهش داده و بر شمار بیکاران طبقه ما افزوده اند. آیا حد اعلا سفاقت نیست که چشم انتظار اعجاز صاحبان سرمایه و دولت مردان برای بهبود زندگی خویش در چنین شرایط هولناک بحرانی باشیم؟! آیا بناست به دنبال «موج سبز امید» راه افیم و برای درمان دردهای خود به وعده و وعده های سرمایه داران اصلاح طلب دل ببندیم؟ برای درک احمقانه بودن این کار هیچ دانش خاصی لازم نیست. کافی است فقط به یاد آوریم که در طول ۸ سال زمامداری اصلاح طلبان هیچ روزی نبوده است که روزگار توده های طبقه ما بسیار بدتر و دردناک تر از روز قبل نبوده باشد. اصلاح طلبان در شرایطی که بحران سرمایه داری تا این حد بر شیرازه حیات نظام زلزله نینداخته بود، میلیون ها نفر از همزنجیران ما را با تیغ تیز مصوبات قانونی اخراج کارگاه های زیر ۵ نفر و سپس ۱۰ نفر حتی از شمول همین قانون کار ضدکارگری خارج کردند. حال در شرایط موجود و در روز هایی که سفینه حیات سرمایه می رود که در کام توفان سهمگین بحران غرق شود چگونه می خواهند کاری به نفع ما انجام دهند؟ واقعیت این است که هر نوع و هر میزان توهم به این یا آن جناح طبقه سرمایه دار و دولت آن ها جز تقلا برای محکم کردن هر چه بیشتر زنجیر گرسنگی و فقر و فلاکت و سیاه روزی بر دست و پای خود هیچ چیز دیگر نیست. پس چه باید کرد؟

پاسخ ما به سوال بالا این است: دنیا به آخر نرسیده است. همه چیز وجود دارد. تمامی امکانات لازم برای یک زندگی انسانی مالا مال از رفاه، سلامتی، عالی ترین نوع خورد و خوراک و پوشاک، مدرن ترین و مجهزترین اماکن مسکونی، بالاترین سطح بهداشت و درمان و آموزش، آزادی، برابری، تأمین بی هیچ قید و شرط اجتماعی، بدون هیچ شکلی از فقر، گرسنگی، محرومیت و بی حقوقی، بدون هیچ نوع تبعیض و امتیازات ناروای جنسیتی و قومی و نژادی و اعتقادی، آری کلیه امکانات برای چنین زندگی انسانی برای همه آحاد آدم ها و کل ساکنان جامعه بدون هیچ استثنا وجود دارد. ما در جامعه ای زندگی می کنیم که در وجه به وجه آن دنیایی از حاصل کار و زحمت نسل های متوالی طبقه ما برهم انباشته شده است. بحث مطلقاً بر سر نبود این

امکانات، ثروت ها و ذخائر لازم چنان زندگی انسانی نیست. مشکل اساسی در جای دیگری است. تمام بحث این است که هر چه ما کار کرده ایم، هر چه نسل های متوالی توده های طبقه ما تولید کرده اند، کل ثروتی که با دستن همزنجیران ما در طی نسل ها ساخته شده است، همه و همه و همه یکر است تبدیل به سرمایه شده و به طور کامل از دسترس ما و از حیطه هر نوع دخالت و استقاده بحق ما خارج شده است. ما در جامعه ای زندگی می کنیم که آکنده از کارخانه و مراکز کار و تولید و مزارع و معادن و کشت و صنعت ها و نفت و گاز و ذخائر عظیم زیرزمینی و بنادر و راه و جاده و فراوان امکانات و ثروت های دیگر است. اما تمامی این ها به صورت سرمایه در اختیار سرمایه داران و دولت سرمایه داری و تراست های غول پیکر صنعتی و مالی است. ریشه واقعی همه مشکلات بدون هیچ اگر و اما در وجود نظام سرمایه داری، در رابطه خرید و فروش نیروی کار، در سرمایه بودن حاصل کار و استثمار ما توده های کارگر، در بیگانه بودن ما با خود، با کار خود، با محصول کار و تولید خود و محرومیت کامل ما از هر نوع دخالت در سرنوشت کار و تولید و محصول کار و زندگی اجتماعی خویش است.

برای رهایی از وضعیت موجود ما هیچ چاره ای جز تغییر این وضعیت نداریم. باید بنیاد سرمایه داری و سرمایه بودن محصول کار انسان ها، بنیاد رابطه خرید و فروش نیروی کار را درهم ریزیم. باید مجبور نباشیم برای زندگی کردن نیروی کار خود را بفروشیم. باید همه چیز در خدمت رفاه و آسایش و تعالی جسمی و روحی ما قرار گیرد. برای این کار باید کل کاری که انجام می دهیم از دستی تا فکری و کل محصولی که تولید می کنیم از صنعتی تا کشاورزی توسط آحاد توده های طبقه ما، به وسیله شوراهای متشکل از کلیه افراد طبقه مان، با آگاهی و بصیرت و دانش هر چه عمیق تر در خدمت رفاه و معیشت و بهداشت و درمان و آموزش و رشد و آزادی هر چه سرشارتر و عالی تر تمام افراد جامعه قرار گیرد. این کل آحاد توده های طبقه کارگر است که باید برخوردار از دانش و تخصص و آگاهی در درون شوراهای خود کل کار و تولید اجتماعی را برنامه ریزی کنند. ما توده های کارگر هستیم که باید در باره نوع محصول و میزان تولید آن تصمیم بگیریم. ما کارگران هستیم که باید میزان نیاز جامعه به غذا، پوشاک، مسکن، دکتور و دارو و بیمارستان و مدرسه و معلم و مراکز مراقبت از پیران و مهد کودک ها و تقریحگاه ها و رستوران ها و جاده ها و بنادر و خیابان ها و هر نیاز اجتماعی و انسانی دیگر را با آگاهی و شعور دسته جمعی خود تعیین و چگونگی تولید و کار مورد نیاز برای ایجاد آن ها را برنامه ریزی کنیم. برای رهایی از شر وضعیت موجود باید به چنین شرایطی دست یابیم و برای این کار باید به موجودیت نظام سرمایه داری پایان دهیم.

کارگران علیه سرمایه متشکل شویم!

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۴ شهریور ۱۳۸۸

اعتصاب کارگران واگن سازی پارس

اخراج کارگران قراردادی باقی مانده، شکایت قضایی از کارگران با سابقه و قدیمی، دخالت نیروهای ضد شورش به داخل کارخانه و نظائر این ها، از جمله این تهدیدها بود. کارگران که چند ماه است دستمزد های خود را به طور منظم

شهریور) با نشستن روی زمین و بستن دروازه ورودی شرکت از ورود همه مدیران به کارخانه جلوگیری کردند. مدیران واگن سازی پارس در مقابل اقدام کارگران ابتدا کوشیدند تا از طریق تهدید و ارباب آنان را پراکنده کنند،

کارگران کارخانه واگن سازی پارس اراک در ادامه مبارزات چند ماهه برای گرفتن دستمزد ها و حقوق مصادره شده خود اکنون پنج روز است که دست از کار کشیده اند و در حال اعتصاب به سر می برند.. آنان دیروز (سه شنبه سوم

ها اعلام کردند که در صورت عدم انصراف کامل مدیریت از تصمیمات خود، به اشکال جدیدی از اعتراض و مبارزه علیه صاحبان سرمایه دست خواهند زد.

همزمان با حوادثی که در واگن پارس جریان دارد، تعدادی از کارکنان شهرداری اراک اعلام کرده اند که عده ای از مافیای اقتصادی و در راس آن ها مقامات ارشد سپاه پاسداران استان مرکزی تصمیم دارند به بهانه هموارسازی راه توسعه بیشتر شهر اراک سه کارخانه بزرگ صنعتی این شهر را تعطیل کنند و زمین این کارخانه ها را به بساز و بفروشی و دریافت سودهای نجومی اختصاص دهند. این شایعه به ویژه زمانی قوت گرفته است که مردم رهگذر به طور ناگهانی با اتوبانی رو به رو شده اند که درست از وسط زمین کارخانه های ماشین سازی و کمباین سازی بدون هیچ سر و صدا ایجاد شده است و هم اکنون در حال آسفالت ریزی است!

منبع: سایت اخبار روز

۵ شهریور ۸۸

جنایتکارانه دیگری شدند. مدیر عامل واگن سازی پارس به دنبال تماس با سهامدار اصلی کارخانه اعلام داشت که در روز (چهارشنبه ۴/۶/۱۳۸۸) مبلغ دویست و پنجاه هزار تومان به هر یک از کارگران پرداخت می کند. هدف او و سایر سرمایه داران این بود که اولاً بر مقاومت روز کارگران غلبه کنند و اعتصاب آنان را پایان دهند، ثانیاً پرداخت مطالبات معوقه کارگران را که به رقمی میان ۱۵۰۰۰۰۰ تا ۲۸۰۰۰۰۰ تومان در مورد هر کارگر بالغ می شود باز هم برای ماه ها به تعویق اندازند. روز سه شنبه پس از بازگشت کارگران به سر کار، سرمایه داران در تداوم ترفندها و توطئه بازی های شوم کارگرکش خویش اقدام به بیرون ریختن کارگران از کارخانه کردند و با بیشرمی و قساوت تمام اعلام نمودند که تمامی اضافه کاری و همه مزایای کارگران قطع خواهد شد و کارگران قراردادی نیز اخراج خواهند گردید. سرمایه داران با همان شقاوت و سیبیت اضافه کردند که این کار را به خاطر تنبیه کارگران انجام می دهند!!! کارگران شرکت واگن سازی پارس امروز در محوطه کارخانه حاضر شدند. آنان بار دیگر دست از کار کشیدند و چرخ تولید و کار را به طور کامل از حرکت باز داشتند. آن

دریافت نکرده اند در مقابل این تهدیدات نه فقط هیچ مرعوب نشدند که خشمگین تر و مصمم تر به مقاومت ادامه دادند و حاضر به ترک محل تحسن و تجمع نشدند.

کارخانه واگن سازی پارس تا چندی قبل یکی از شرکت های عظیم دولتی بود، بعد از ابلاغ سیاست های اصل ۴۴ جهت خصوصی سازی واگذار گردید و بیش از نصف سهام آن را شرکت ایران خودرو خریداری کرد. شرکت به محض واگذاری دچار بحران شدید مالی شد!! مدیران ایران خودرو، مالکان جدید نیمی از سهام واگن سازی پارس، بیش از پانصد میلیارد تومان سرمایه های حاصل استثمار کارگران را به عنوان وام و زیر نام نوسازی کارخانه، از بانک های دولتی خارج کردند. بر اساس گفته کارگران، کل این ارقام عظیم وام نه در واگن سازی پارس بلکه در شرکت های تابعه ایران خودرو هزینه شد و ربالی از آن به مصرف نوسازی کارخانه بزرگ صنعتی واگن پارس نرسید.

دیروز پس از آن که کارگران معترض در مقابل تهدیدات مدیران کارخانه مقاومت کردند، سرمایه داران دست به کار اجرای ترفندهای

تشدید استثمار و شرایط کار وخیم کارگران سیمان تهران

محسوب نمی کند. سومین تعرض جنایتکارانه سرمایه دار تبدیل کارگران پیمانی به روزمزد است. نفس پیمانی بودن تحمیل دنیایی بربریت بر کارگران و محروم کردن او از ابتدایی ترین حقوق است. مالک سیمان تهران حتی به این نیز رضایت نمی دهد و تصمیم گرفته است که قرارداد پیمانی را به روزمزد تنزل دهد. کارگران روزمزد فاقد هر نوع تضمین برای کار فردای خویش و هر میزان امنیت برای پرداخت دستمزدهای خود هستند. سرمایه دار سیمان تهران در شرایطی این تهاجم های وحشیانه را علیه کارگران برنامه ریزی و اعمال می کند که کارخانه او از بازار فروش گسترده، تولید بالا و سودهای سرشار برخوردار است.

منبع: ایلنا

۳ شهریور ۸۸

نمی کند و حاضر به اجرای آن نیست. او می گوید کارگران خودشان باید کل این ۲۳ درصد را پرداخت کنند!! همچنین مالک سیمان تهران می گوید فقط ۲۷ درصد کل کارهای کارخانه در زمره کار سخت محسوب می شود و این در حالی است که کل کارهای این مؤسسه در شمار کارهای شاق قرار دارد. سرمایه دار با این تصمیم ضدکارگری از جهات متعددی به حقوق سلاخی شده بسیار محقر و نازل کارگران تجاوز می کند. اولاً حق سختی کار را حذف می کند، ثانیاً بازنشستگی آنان را با شرایطی بسیار دشوار و وخیم مواجه می سازد. بر پایه همان قانون کار، شاغلان حوزه های کارهای زیان آور و سخت می توانند زودتر از موعد قانونی بازنشسته شوند و هر سال کار آن ها معادل یک سال و نیم کار حساب شود. سرمایه دار با تصمیم خودسرانه خویش تمامی این حقوق اولیه و محقر را از کارگران سلب می کند. زیرا کار بیش از ۷۰٪ کارگران را اساساً کار زیان آور

سرمایه داران صاحب کارخانه سیمان تهران به کارگران اعلام کرده اند که از این پس به جای کارگران بازنشسته هیچ کارگر جدیدی استخدام نخواهند کرد و کل کار این کارگران را بر دوش همزنجیران شاغل کنونی کارخانه خواهند انداخت. آنان به این جنایت بسنده نکرده و با بیشرمی کامل فهرستی از تغییرات جنایتکارانه دیگر هم تهیه نموده اند و مصمم هستند که بر کارگران تحمیل کنند. از جمله این که طرح طبقه بندی مشاغل را اجرا نخواهند کرد و سهم کارفرما برای حق بیمه بازنشستگی پیش از موعد را نیز به دوش کارگران خواهند انداخت. لازم به توضیح است که بر اساس قانون کار جمهوری اسلامی هر کارگری می تواند پس از ۲۵ سال کار تقاضای بازنشستگی کند و صاحبان سرمایه باید ۲۳ درصد سهم بیمه این افراد را به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت کنند. سرمایه دار صاحب کارخانه سیمان تهران حتی همین قانون مصوب دولت خود را هم قبول

اجتماع اعتراضی کارگران چینی البرز



Iranian Labour News Agency

صاحب کارخانه چینی البرز دستمزدهای ۴ ماه تمامی کارگران را مصادره کرده است. این کارخانه از موقعیت اقتصادی خوبی برخوردار است، کارگران را به شدت استثمار می کند، سطح تولیدش بالا است و محصولات تولید شده علاوه بر بازار داخلی به کشورهای ترکیه، عراق و آذربایجان نیز صادر می شود. ۴۱۹ کارگر شرکت از جمله ۱۰۰ کارگر زن در اعتراض به تعویق طولانی مدت حقوق ها در مقابل استانداری قزوین اجتماع کردند. کارگران فریاد می زدند با آن که سود شرکت بالا است اما ۴ ماه حقوق ما را مصادره کرده و هیچ ریالی به ما پرداخت ننموده اند. توده های کارگر ضمن سر دادن فریاد از گرسنگی و فقر و بدهکاری دامنگیر خانواده هایشان خواستار پرداخت فوری همه مطالبات خود شدند.

منبع: ایلنا

۳ شهریور ۸۸

تعویق ۲۲ ماهه دستمزد کارگران نساجی

دستمزدهایشان به گوش همه برسانند. کارگران معترض می گویند ۶۰ درصد همزنجیرانشان اخراج شده و برای همیشه کار خود را از دست داده اند. ۴۰ درصد باقی مانده نیز هیچ امیدی به ادامه اشتغال ندارند و بالاخره آنان ۶ ماه است که با همه توان کار کرده و استثمار شده اند اما هیچ ریالی نگرفته اند.

منبع: ایلنا

۲ شهریور ۸۸

این دروغ زشت را می گفت که کارگران نه فقط از هیچ نوع تضمین اشتغال برخوردار نبودند بلکه ماه های متمادی هیچ ریالی دستمزد هم دریافت نکرده بودند. از کارگران نساجی کاشان که بگذریم همزنجیران اصفهانی آن ها نیز با همین معضلات با همه شدت و حدت دست به گریبان هستند. هفته دوم مرداد ماه امسال کارگران نساجی سیمین اصفهان روبه روی استانداری این شهر تجمع کردند تا فریاد اعتراض خویش را به تعویق ۶ ماهه

کارگران نساجی کاشان ۲۲ ماه است که حقوق نگرفته اند. سرمایه داران صاحب شرکت کل دستمزدهای ۲۲ ماهه کارگران را مصادره کرده و تمامی اعتراضات و مبارزات آنان را بدون پاسخ گذاشته اند. سال گذشته زمانی که موج خشم و عصبان کارگران در طغیان بود، صدا و سیمای دولت سرمایه داری ناگهان اعلام کرد که همه مشکلات نساجی های این شهر حل شده و هیچ کارگری با هیچ مشکلی مواجه نیست!! بوق های تبلیغاتی دولت در شرایطی

اعتراض کارگران واگن پارس به مصادره ۴ ماه دستمزد

فقط ۵۰۰ هزار تومان برای هر کارگر دریافت کرده اند. مبارزه کارگران گاه حاد شده و به برخورد قهرآمیز انجامیده است. همین چندی پیش آنان سالن غذاخوری کارخانه را به عنوان اعتراض با خاک یکسان کردند.

منبع: ایلنا

۲ شهریور ۸۸

کارگر، و بررسی وضعیت ۲۰۰ کارگری که بر اساس دسیسه پردازی های سرمایه داران و عدم محاسبه ساعات کار طاقت فرسا و سخت از لیست بازنشستگی حذف شده اند. همه این مشکلات و در رأس آن ها تعویق طولانی مدت دستمزدها کارگران را به ستوه آورده است. آنان در طول ۵ ماه و به دنبال مبارزات طولانی و اشکال گوناگون اعتراض، سرانجام مجموعاً

کارگران واگن پارس در اراک ۲ سال است که در حال مبارزه با صاحبان سرمایه هستند. حقوق ۱۷۰۰ کارگر شرکت توسط صاحبان سرمایه مصادره شده است. اما مشکلات آنان فقط این نیست. سایر مطالبات و موارد کشمکش کارگران و سرمایه داران عبارت است از: پرداخت سنوات بازنشستگان و رفع کسری سال های کار برای تسریع در بازنشستگی ۳۵۰

شبح انقلاب طبقه کارگر علیه نظام سرمایه داری

دهد. نویسنده در پایان مقاله نگرانی خود را از انقلاب طبقه کارگر علیه نظام سرمایه داری این گونه بیان می کند:

« طی چند ماه گذشته تمامی اخبار دال بر شکل گیری گسترده اعتراضات یقه آبی ها دارد. ادامه روند کنونی و بی توجهی به رکود بنگاه های اقتصادی موج اعتراضات آبی را به راه خواهد انداخت.

مقاله پیوست در سایت «الف» وابسته به احمد توکلی از سران نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و نماینده مجلس سرمایه منتشر شده است. این مقاله، که امضای «محسن مهدیان» را در پای خود دارد، با اشاره به وخامت اوضاع اقتصادی جمهوری اسلامی و ذکر اخبار و آمار و ارقام مبارزات کارگری در ماه های اخیر هراس نمایندگان سرمایه را از اوج گیری مبارزات کارگران (که نویسنده آنان را « یقه آبی ها» می نامد) به خوبی نشان می

خیابانی و طلاق و اعتیاد و سرقت و قتل موج قرمزی است که پس از بی توجهی به اعتراضات آبی به سادگی قابل مهار نخواهد بود...

باید از خلسه پرانده سبز خارج شد و بیشتر نگران خروش آبی‌ها و سیاهی فقر و قرمزی فساد بود.

متن کامل مقاله را در اینجا منتشر می‌کنیم، باشد که کارگران با درک وحشت سرمایه داران و دولت آن‌ها از مبارزات کارگری، قدرت خود را باور کنند و خواب هراس آلود طبقه سرمایه دار در مورد انقلاب کارگری را به واقعیت تبدیل سازند.

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۸۸/۶/۱

وضعیت نگران‌کننده کارخانه‌ها و کارگران؛

موج اعتراض یقه آبی‌ها در راه است؟

می‌کرد. کارشناسان با بی سابقه خواندن این اتفاق مجلس ختم ندا و دادگاه های تواب سازی را مقصر دانستند.

اما مسئولین فکر می‌کنند می‌توان با چرخش متغیر نقدینگی، اقتصاد را متحول کرد. حجم پول از ۲۱۵۰۰ میلیارد تومان در اسفند ۸۶ به ۱۵۷۰۰ میلیارد تومان در دی ماه ۸۷ کاهش یافته است. کاهش ۲۷ درصدی حجم نقدینگی در حالی که تورم ۲۵ درصد است یعنی قدرت خرید مردم نسبت به قبل ۵۲ درصد کاهش یافته است.

با این حال فعالان بخش خصوصی منتظرند دولت بسته جدید بعد از انتخابات را عرضه کند. افزایش نقدینگی احتمالاً تنها راه کار در کوتاه مدت است. با افزایش نقدینگی کنترل و مهار تورم به شیوه قبل از انتخابات دیگر ممکن نخواهد بود.

گزارش های رسمی از افزایش ۳ درصد نرخ بیکاری در تهران خبر می‌دهد. طی یک ماه و نیم گذشته ۱۶۴۶ کارگر به خیل کارگران اخراجی پیوستند.

اخراج ۵۰۰ کارگر از شرکت روکش چوبی ایران ۹۰۰ کارگر از کارخانه صنایع مخابراتی از راه دور و ۲۳۰ کارگر هتل آزادی طی یک ماه و نیم گذشته در رسانه‌ها گزارش شده است.

در ۵۰۰ کارخانه ۲۰۰ هزار کارگر از ۳ تا ۵۰ ماه حقوق دریافت نکرده اند.

این وضعیت البته طبیعی است. ایرالکو مجبور است محصولات خود را حدود ۷۰۰ تومان زیر بازار در بورس کالا بفروشد که باز هم به دلیل بالاتر بودن قیمت آلومینیوم نسبت به بازار های جهانی خریداران استقبال نمی‌کنند. این بحران باعث شده تولید ایرالکو ۵۰ درصد کاهش یابد.

شرکت های بزرگ صنعت فولاد بورسی با میانگین بازدهی منفی ۴۴ درصد طی تیر ماه ۸۷ تا پایان تیر ماه ۸۸ دوران رکود را تجربه می‌کنند.

با واردات بیش از یک میلیون تن شکر در سال گذشته، ۵۰ درصد واحدهای تولیدی شکر در مدار زیان قرار گرفتند و در باقی کارخانه‌ها نیز تولید عملاً متوقف شده است.

ناگزیر این موج شباهت هایی هم با موج سبز خواهد داشت. به نظر می‌رسد این تحرکات از طرح هلندی رسانه‌ای هم خطرناک تر باشد. شاید از نسخه بیلدبرگی براندازی نرم هم جلوتر رود. شاید هم برخی بخواهند آن را پروژه آژاکس ۳ بنامند.

تحرکات آبی‌ها بدون شک متعصبانه است. تنها مچ بند سبز نیست که جای خود را به یقه های آبی می‌دهد. انگیزه اصلی این حرکت خودجوش نگرانی از گرسنگی خانواده و شیر خشک فرزند نوزاد و اجاره مسکن آخر ماه و ادامه تحصیل فرزند و درمان همسر است.

هر نفر که بیکار شود با خود حداقل ۴ نفر را به زیر خط فقر می‌برد. این خانواده بدون شک مستعد فساد می‌شود. سرکوب جنبش آبی‌ها و برگزاری دادگاه فیروزه ای، حتی اگر به تواب سازی هم بیانجامد، باز هم مانع فساد و انحرافات اجتماعی نخواهد شد. انومی و دختران فراری، ایدز و کودکان

روز یکشنبه کارگران نساجی بوکان متوجه شدند که کارفرما بعد از غیبت طولانی در کارخانه حضور یافته است و همراهش چند نفر کارشناس بانک ملی هم آمده اند تا از دستگاه‌ها و اموال کارخانه جهت توقیف لیست برداری کنند. جمعی از کارگران بعد از شنیدن این خبر سریعاً خود را به کارخانه رسانند و به کارفرما گفتند که اموال کارخانه در توقیف آنهاست و برای لیست برداری و توقیف اموال باید از صف اعتراض آنها بگذرد.

در تهران کارگران کارخانه لاستیک‌سازی دنا با پلاکاردهای «مدیر بی‌لیاقت استعفا استعفا، اخراج ۴ نماینده توهین به ۲۰۰۰ پرسنل، ما کارگران لاستیک‌سازی دنا خواستار خلع ید مدیران بی‌کفایت هستیم، هیات مدیره بی‌لیاقت اخراج باید گردد» اقدام به برپایی تجمع اعتراضی کردند.

کارگران این کارخانه لاستیک می‌گویند که پس از آن که لیستی از نام همکاران اخراجی خود را مشاهده کردند، با تشکیل شورایی ضمن اخراج مدیران کارخانه، مدیریت آن را برعهده گرفتند.

در پی اخراج کارگران پرریس و پیگیری‌های متعدد آنان دیوان عدالت اداری رای به بازگشت به کار کارگران را صادر نموده اما از آن تاریخ تاکنون کار فرمای شرکت از به اجرا گذاشتن رای دیوان خود داری نموده است.

کارگران پرریس از تاریخ مذکور هر روز ساعت ۶ صبح تا ساعت ۱۴ بعدازظهر در محل کار خانه به حالت اعتراض حضور داشتند.

صبح روز یکشنبه هم کارگران کارخانه کشت و صنعت هفت تپه دست به اعتصاب زدند و نسبت به حقوق معوقه خود اعتراض کردند.

رکود اقتصادی در کشور رو به وخامت است. وزیر اقتصاد معتقد است که سیاست های پولی را باید اصلاح کرد. این خبر بعد از قطعی شدن حضور وی در دولت دهم از سوی رسانه‌ها منتشر شد. اتاق بازرگانی پیش از این نسبت به ادامه بحران هشدار داده بود. فعالان بخش خصوصی از بالا رفتن ریسک اقتصادی و امنیت می‌گویند. به گفته این فعالان، وقایع اخیر باعث عدم اطمینان در اقتصاد شده است. به نظر می‌رسد این ادعا منطقی باشد. هیچ یک از ۳۳ مهمان خارجی مدعو به یک همایش ریاضی در دانشگاه شریف در این همایش شرکت نکردند. این مدعوین هیچ نوع سرمایه گذاری هم قرار نبود انجام دهند و برای شرکت در این همایش کمی دست زدن و تشویق کفایت

از گرسنگی خانواده و شیر خشک فرزند نوزاد و اجاره مسکن آخر ماه و ادامه تحصیل فرزند و درمان همسر است.

هر نفر که بیکار شود با خود حداقل ۴ نفر را به زیر خط فقر می برد. این خانواده بدون شک مستعد فساد می شود. سرکوب جنبش آبی ها و برگزاری دادگاه فیروزه ای، حتی اگر به تواب سازی هم بیانجامد، باز هم مانع فساد و انحرافات اجتماعی نخواهد شد. آنومی و دختران فراری، ایدز و کودکان خیابانی و طلاق و اعتیاد و سرقت و قتل موج قرمزی است که پس از بی توجهی به اعتراضات آبی به سادگی قابل مهار نخواهد بود.

البته شاید اگر منافع یقه آبی ها به یقه سفیدها (کارفرمایان و مدیران و سرمایه داران) گره بخورد - که به نظر می رسد در شرایط فعلی گره خورده باشد - بتوان امید داشت که اعتراضات آبی و فیروزه ای موثر باشد.

نباید فراموش کرد که هیچ کس اعتراض یقه سفیدها را مخملی و نرم نمی داند. یقه سفیدها ولی نعمتند.

یک صبح تا ظهر تعطیلی بازار طلا در اعتراض به قانون مالیات بر ارزش افزوده، برای ملغی شدن آن به دست رئیس جمهور کفایت می کند. اعتراض یقه سفیدها همیشه سفید است نه رنگی.

باید از خلسه پرانده سبز خارج شد و بیشتر نگران فروش آبی ها و سیاهی فقر و قرمزی فساد بود.

محسن مهدیان

به نقل از سایت الف

۳۱ مرداد ۱۳۸۸

چک مبادله شده در نظام بانکی در پایان سال گذشته نسبت به سال پیش از آن ۴۲ درصد کاهش یافت.

این در حالی است که چک های برگشتی ۷.۸ درصد افزایش پیدا کرد که از بعد جنگ تا به حال بی سابقه بوده است.

گزارش های بورس نیز حاکی از سراسیمگی سقوط در ۱۵۰ شرکت بورسی است.

۶۰ درصد ظرفیت تولید کنندگان لوازم خانگی نیز غیر فعال شده است.

ساخت و ساز در تهران حداقل ۶۰ درصد کاهش یافته است.

در حال حاضر ۵۶ هزار میلیارد تومان بدهی بانکی وجود دارد.

تعداد فزاینده بیکاران و نیمه بیکاران به گونه ای محتوم در ورای این رکود و ورشکستگی پیاپی کارخانجات است. کارگران به اقشار زیر طبقه سقوط خواهند کرد. آنان دراستیصال کامل برای بقای خود به اشتغال غیررسمی روی خواهند آورد. از این پس میلیون ها یقه آبی که جامعه علیرغم توانایی که دارند خواهان کارشان نیست، خود را بازنده مناسبات جدید می پندارند.

طی چند ماه گذشته تمامی اخبار دال بر شکل گیری گسترده اعتراضات یقه آبی ها دارد. ادامه روند کنونی و بی توجهی به رکود بنگاه های اقتصادی موج اعتراضات آبی را به راه خواهد انداخت.

ناگزیر این موج شباهت هایی هم با موج سبز خواهد داشت. به نظر می رسد این تحركات از طرح هلندی رسانه ای هم خطرناک تر باشد. شاید از نسخه بیلدبرگی براندازی نرم هم جلوتر رود. شاید هم برخی بخواهند آن را پروژه آژاکس ۳ بنامند.

تحركات آبی ها بدون شک متعصبانه است. تنها مچ بند سبز نیست که جای خود را به یقه های آبی می دهد. انگیزه اصلی این حرکت خودجوش نگرانی

ورشکستگی ایران پویا و اخراج وسیع کارگران

اگر در جنگ نقش پیاده نظام رایگان ارتش سرمایه را ایفا کرده اند، اگر در سال های بعد از جنگ بردگان مزدی ارزان بهای سرمایه داران بوده اند، از این پس قربانیان تیغ تیز گرسنگی سرمایه خواهند بود.

منبع: آژانس ایران خبر

۳۱ مرداد ۸۸

کرده اند. تکلیف ۱۲۰ کارگر باقی مانده تا امروز ناروشن بوده است. اما اعلام ورشکستگی کارخانه طبعاً صدور حکم اخراج این عده نیز هست. اکثر کارگران شرکت افراد معلول و مصدوم قربانی جنگ دولت های عراق و ایران هستند که در ادبیات رایج سرمایه «جانباز» نام دارند. ۵۵۰ کارگر اخراجی اکنون باید دور دیگری از «جانبازی» را آغاز کنند.

شرکت یخچال سازی ایران پویا (جنرال استیل سابق) اعلام ورشکستگی کرد. این شرکت سال هاست که در مالکیت «بنیاد مستضعفان و جانبازان» قرار دارد. سرمایه داران دولتی صاحب شرکت می گویند که ۴۰ میلیارد تومان بدهکاری دارند. آنان چیزی درباره علت این بدهکاری ها نگفته اند اما از ماه ها پیش ۴۳۰ کارگر از کل ۵۵۰ کارگر کارخانه را اخراج

واکنش کارگران پارس متال به انعکاس خبر مبارزات خود در

ماهواره

همزنجیرانشان و ساکنان کشورها از وضعیت رقت بار کار و استثمار و بی حقوقی و مصائب آنان اطلاع یافته اند. از این مهم تر آنان اضافه می کنند که تصمیم گرفته اند به اعتصاب و

های اینترنتی و شبکه های ماهواره ای درج شده است. آگاهی توده کارگر به انتشار این اخبار موجی از امید در دل آن ها ایجاد می کند. کارگران می گویند که با این کار شمار کثیر

۶ ماه تمام است که کارگران پارس متال برای گرفتن مطالبات خود در حال اعتصاب، تحصن، تجمع و مبارزه هستند. در روزهای اخیر آنان می شنوند که اخبار مبارزات آن ها در سایت

تجمع خانواده های بازداشت شدگان اخیر در مقابل دادسرای سرمایه

رفتند. انتشار این خبر سبب شد خانواده های دستگیرشدگان اخیر امروز در خیابان معلم در مقابل «دادسرای انقلاب» اجتماع کنند. آنان با خشم و نفرت و دلهره خواستار اطلاع از وضعیت زندانیان خود بودند.

۳۱ مرداد ۸۸

موج عظیمی از وحشت و هراس را در میان همه خانواده های زندانیان و خویشاوندان و دوستان آن ها دامن زد. هر پدر و مادر و همسر و دوست یا آشنای افراد دستگیرشده به ویژه دستگیرشدگان گمنام و فاقد شهرت و آوازه به صورت بسیار طبیعی چنین تصور کرد که چه بسا یکی از این جسدها جسد زندانی او باشد. همه در ماتم و دلهره و احساس وحشت فرو

دیروز این خبر تکان دهنده در بسیاری از سایت ها و رسانه های خبری ایران و جهان درج شد که در طول ماه های اخیر نیروی سرکوب و دستگاه های کشتار سرمایه بیش از ده ها جسد بی نام و نشان متعلق به کشته شدگان اعتراضات اخیر را به صورت مخفی و در میان تدابیر شدید امنیتی به گورستان بهشت زهرا حمل کرده و در آن جا به خاک سپرده اند. انتشار این خبر

گزارشی از کارخانه نساجی پارس ایران در رشت

روز ۸۸/۵/۲۷ به دادگاه بروند که کارگران رفتند و رئیس دادگاه نیز گفت که کارگران باز گردند تا به آن ها بعداً ابلاغ شود.

افراشته می گوید تا زمانی که وام خود را از وزارت صنایع دریافت نکنم هیچ پولی به کارگران پرداخت نخواهم کرد. اما طبق تحقیقات خود کارگران افراشته از سال ۸۶ تا ۸۸ میلیاردها تومان وام گرفته که صرف خرید و سرمایه گذاری در کارخانجات دیگر شده است. لازم به ذکر است که افراشته به رغم آماده به کار بودن کارخانه آریا سوکت از ترس کارگران اقدام به راه اندازی این کارخانه نمی کند.

طبق آخرین اطلاعات به دست آمده توسط کارگران، در سال ۸۳ زمانی که کارگران بر اثر تعطیل کارخانه برای دریافت بیمه بیکاری بین کارخانه و اداره کار سرگردان بودند افراشته ادوات و دستگاه های بافندگی و ریسندگی - رنگرزی چاپ برقی و دستی نخ آماده به کار را به بهانه این که در اثر ریزش برف سال ۸۳ تخریب شده و از کار افتاده اند از کارخانه خارج کرده و به بهای چند میلیارد تومان فروخته است.

هم اکنون در انباری که به شرکت دخانیات اجازه داده شده بیش از ۳ میلیارد تومان سیگار وجود دارد.

۳۰ مرداد ۸۸

۶ ماه را از قبل تا تاریخ آخر آذر ۸۸ دریافت کرده است.

طبق تحقیقات کارگران، جواد افراشته در کنار اجاره دادن انبار تعداد زیادی ماشین آلات نساجی از جمله دستگاه های استینتر پارچه دستگاه های رنگرزی، مواد رنگی و کلیه ضایعات آهن قراضه - حاصل از تخریب ساختمان های داخل کارخانه - را به ارزش میلیون ها تومان فروخته است. کارگران پس از اطلاع از این غارت کارخانه، در کارخانه درمقابل قسمت های گردبافت، راست بافت و مقدمات تحصن کردند. افراشته سعی کرد کارگران را اخراج کند اما با مقاومت کارگران مواجه شد.

کارگران همچنین از خروج میل از یکی از انبارها که به میل برنز اجاره داده شده جلوگیری کردند. در تاریخ ۸۸/۵/۲۶ هویدایی مالک میل برنز پس از مشاهده اقدام کارگران بازنشسته برای جلوگیری از خروج میل، به پاسگاه انتظامی لاکان متوسل شد. اما این تهدید مانع مقاومت کارگران نشد. در نهایت وی به بهانه پیش فروش میل به مشتری از کارگران اجازه گرفت که دو دست میل را از انبار خارج کند. اما ناگهان اقدام به آوردن یک کامیون ۱۵ تني جهت بردن همه میل های داخل انبار کرد که به مقاومت کارگران و دخالت نیروی انتظامی منجر شد. در نهایت ماموران انتظامی اسامی کارگران را نوشتند و از آن ها خواستند که در

کارخانه نساجی پارس ایران واقع در جاده لاکان - رشت متعلق به جواد افراشته است. این کارخانه از سال ۱۳۸۳ به بعد تعطیل و کارگران آن دسته دسته بازخرید و بازنشسته شده اند. آخرین گروه بازنشسته های این کارخانه ۵۷ نفر هستند که از این تعداد ۴۹ نفر از اول مرداد ۸۸ در داخل کارخانه دست به تحصن زده اند تا پس از دو سال و نیم سرگردانی و وعده سرخرمن مفاصا حساب بازنشستگی خود را از افراشته بگیرند. میانگین مطالبات هرکارگر بازنشسته ۴ تا ۷ میلیون تومان و کل مطالبات کارگران حدود ۳۰۰ میلیون تومان است. با وجود تعطیل بودن کارخانه، بر سردر آن هنوز آرم نساجی پارس ایران وجود دارد. افراشته تا کنون به بهانه پرداخت مطالبات معوقه کارگران از بانک های مختلف ملی، ملت و صنایع و معادن میلیارد ها تومان وام گرفته و آن را صرف خرید کارخانه آریاسوکت در شهر صنعتی رشت، نساجی در بابل، و آلومینیم اراک کرده است. البته وی بابت خرید کارخانه جوراب بافی واقع در مسیر رشت - کوجصفهان به مبلغ ۸۰۰ میلیون تومان اقدام کرده بود که پس از فسخ این معامله آن را صرف خرید آریا سوکت در شهر صنعتی رشت کرد.

افراشته قسمت های سالم کارخانه را تبدیل به انبار کرده و به شرکت دخانیات و میل برنز واقع در منظریه رشت اجازه داده و مبلغ اجاره

اعتصاب ۹۵۰۰ کارگر فولکس واگن در مکزیک

به احتمال زیاد مرز ۳۵۰ هزار را پشت سر خواهد نهاد.

Victor Cervantes رئیس هیأت کارفرمایان روز سه شنبه به صورت مزورانه و ترفندآمیز اعلام کرد که کارگران از خواست اضافه دستمزد ۸/۵ درصد منصرف شده و به افزایش ۳ درصدی رضایت داده اند!! ۹۵۰۰ کارگر خودروسازی دقایقی بعد تمامی این اظهارات را تکذیب کردند و ترفندهای صاحبان سرمایه را با شروع اعتصاب پاسخ گفتند. سه سال پیش همین کارگران در همین شرکت پوبلا در همین روز ۱۹ اوت با همین خواست افزایش دستمزد برای مدت ۵ روز دست از کار کشیدند و سرمایه داران را برای تحقق مطالبات خود زیر فشار قرار دادند. در آن اعتصاب حدود ۱۰ هزار کارگر شرکت داشتند و صاحبان سرمایه با مشاهده رعد و برق قدرت آنان هیچ چاره ای ندیدند جز این که به پاره ای عقب نشینی ها تن دهند.

اوت ۲۰۰۹

درصد افزایش دستمزد و جلب توافق سرمایه داران به همین ۴ درصد تلاش گسترده ای را آغاز کرد. تلاش سرمایه داران صدر اتحادیه کارگری برای تحقق هدف بالا به هیچ کجا نرسید. سرمایه داران با گستاخی و قاحت آمیزی تصریح کردند که بیشتر از یک درصد را تحمل نمی کنند و در بهترین حالت فقط برای یک بار ۴۰۰ یورو به هر کارگر می پردازند!! پاسخ نهائی سرمایه داران و سازش طلبی نفرت بار سران اتحادیه کاسه خشم کارگران را به جوش آورد. شیپور اعتصاب در همه بخش های کار و تولید به صدا در آمد و چرخ تولید سود از حرکت باز ایستاد. کارگران می گویند شرکت در بازار آمریکا بالاترین رکورد سود دهی را داشته است. استنمار سبانه و ماورای مرزهای توحش ما توده های کارگر سبب شده است که حتی در شرایط بحران به چنین نرخ سود بی سابقه ای دست یابد. اما با همه این ها حاضر نیست به هیچ سطحی از افزایش دستمزدها ها تن دهد. شرکت فولکس واگن در مکزیک روزانه ۱۴۵۰ تا ۱۵۰۰ واگن تولید می کند. تولید سالانه شرکت در ۲۰۰۵ بالغ بر ۳۰۰ هزار واگن بوده است. این رقم در سال جاری

کارگران خودرو سازی فولکس واگن Puebla در مکزیک از روز ۴ شنبه ۱۹ اوت برای خواسته های خود دست به اعتصاب زده اند. این اعتصاب تا لحظه حاضر ادامه دارد و شرط خاتمه آن تحقق کامل مطالبات کارگران اعلام شده است. این چندمین اعتصاب بزرگ کارگران در مکزیک است که در طول روزهای اخیر رخ داده است. یک هفته پیش ۳۵۰۰ کارگر صنایع فلزی آرسلمیتال ArcelorMittal در شهر Lazaro Cardenas واقع در ایالت Michoacan در غرب مکزیک با هدف افزایش دستمزدها چرخ کار و تولید را از کار انداختند. کارگران خودروسازی با تجمع در محوطه جلو در کارخانه شروع اعتصاب را اعلام کردند. آنان با آویختن پلاکاردهای حاوی شعارها و خواسته های خود کوه خشم و اعتراض و نفرتشان را بر سر صاحبان سرمایه و مدیر سرمایه دار فرو ریختند.

حداقل خواست کارگران افزایش دستمزدها به میزان هشت و نیم درصد است. اتحادیه کارگری در طول هفته های پیش برای جلوگیری از وقوع اعتصاب، متقاعد ساختن کارگران به ۴

اعتصاب بزرگ در کارخانه فلزات ArcelorMittal در مکزیک

لوکزامبورگ قرار دارد. ArcelorMittal ۱۰۹،۷ میلیون تن فلز در سال تولید می کند، دارای ۶۱ شعبه در ۲۷ کشور است و ۳۱۶ هزار کارگر را در سطح جهان استنمار می کند.

منبع: روزنامه تجاری هلند NRC

اوت ۲۰۰۹

کارگر و پایان دادن به اعتصاب تلاش می کند. رؤسای اتحادیه تاکید کرده اند که برای ختم اعتصاب از هیچ کوششی فروگذار نخواهند کرد و کارگران نیز در همان حال با قاطعیت اعلام کرده اند که تا رسیدن به همه خواسته های خود به اعتصاب ادامه خواهند داد. ArcelorMittal بزرگ ترین کنسرن فلزات در جهان است. این شرکت در سال ۲۰۰۶ از ادغام دو شرکت بزرگ آرسلر Arcelor و میتال استیل Mittal Steel به وجود آمد و دفتر مرکزی آن در

بیش از ۳۵۰۰ کارگر صنایع فلزی ArcelorMittal در مکزیک در روز شنبه گذشته دست به اعتصاب زدند. کارگران خواستار افزایش دستمزدهای خویش هستند. اعتصاب در کارخانه Lazaro Cardenas واقع در Michoacan غرب مکزیک روی داده است. اتحادیه کارگری از یک سو زیر فشار خشم و عصیان کارگران مجبور به همراهی شده است و از سوی دیگر با تمامی توان برای غلبه بر موج نارضائی توده های

اخراج ۳۷۰۰ کارگر پست پریموندو Primondo

برای همیشه تعطیل و کارگران آن به جمع بیکاران می پیوندند. Klaus Hubert Görg مسئول موقت آرکاندور Arcandor، شرکت مادر پریموندو، تمامی نکات بالا را تأیید کرده است و تأکید می کند که اخراج ۳۷۰۰ کارگر

در فاصله زمانی کوتاهی ۱۰۹ شرکت ورشکسته 'Quelle Technik'-centra را تعطیل می کند و کارگران آن ها را به طور دسته جمعی بیکار خواهد ساخت. همچنین از ۱۴۵۰ فروشگاه Quelle نیز ۱۰۰۰ فروشگاه

شرکت پست پریموندو (Primondo) ۱۰۵۰۰ کارگر را در حوزه های مختلف خود در کشور آلمان و سایر کشورهای اروپایی استنمار می کند. این شرکت سفارشات پستی Quelle را نیز تحت پوشش خود دارد. گفته می شود این گروه

از مجموع ۱۰۵۰۰ نفر کارگران شرکت در ژانویه ۲۰۱۰ حتمی است.

پریموندو یکی از بزرگ ترین شرکت های سفارشات پستی در اروپای مرکزی است. هدف سرمایه داران شرکت از بیکارسازی ها مطابق معمول صرفه جویی در هزینه سرمایه گذاری ها، استفاده هر چه گسترده تر از اینترنت و

تکنولوژی اطلاعاتی، کاهش هر چه بیشتر نیروی کار، تشدید هر چه وخیم تر استثمار کارگران، افزایش قدرت رقابت شرکت در بازار و افزایش هر چه غول آساطر ارقام سودها به عنوان نتیجه همه آن ها است. سرمایه داران اعلام کرده اند که علاوه بر ۳۷۰۰ کارگر بالا، عده ای از کارگران بخش Temse که شمار آن ها ۱۲ نفر است نیز در معرض خطر اخراج

قرار دارند. بخش Temse در بلژیک هماهنگ کننده فعالیت های همه شرکت های سفارشات پستی این گروه از جمله Quelle و بسیاری دیگر از مؤسسات پستی است که در کشورهای مختلف اروپا و خارج از آلمان فعالیت دارد.

منبع: سایت بلگا (بلژیک)

اوت ۲۰۰۹

اعلام همبستگی کارگران فرانسه و بلژیک علیه بیکارسازی ها

تا علیه اخراج همزنجیران خود در آکاتل- لوسنت بلژیک فریاد اعتراض سر دهند. آکاتل- لوسنت اعلام کرده است که جمعیت عظیمی از کارگران را بیکار می سازد. کارگران فرانسه در راه پیمایی بزرگ خود فریاد می زنند که آنچه سرمایه داران، دولت های سرمایه داری و اتحادیه اروپا انجام می دهد صرفاً دفاع از سود افزون تر سرمایه ها به بهای خانه خرابی هر چه هولناک تر توده های طبقه ما است.

سرمایه داران صاحب شرکت آکاتل- لوسنت ۱۵۳ کارگر خود را در بلژیک اخراج می کنند. آنان مدعی هستند که تحت فشار بحران اقتصادی باید در تدارک سازماندهی دوباره شرکت و کاهش هزینه های خود بر آیند تا بتوانند از کاهش نرخ سودشان جلوگیری کنند. سرمایه داران می گویند که برای رفع خطر کاهش سودها باید ۱۵۳ برده مزدی خود را قربانی سازند. همه سرمایه داران همین کار را می کنند. هر روز و هر لحظه همین جنایت را مرتکب می شوند. این کاری است که در هر چشم به زدن در همه جهان و از جمله در تمامی کشورهای اروپایی روی می دهد. کارگران در همه جا به صورت پراکنده و بی اطلاع از همدیگر دست به مقاومت می زنند. اما این بار کارگران آکاتل- لوسنت بلژیکی تنها نیستند. همزنجیران فرانسوی آن ها نیز در سطحی وسیع به خیابان ها آمده اند تا حمایت خود را پشتوانه پایداری بیشتر آن ها کنند.

اوت ۲۰۰۹

سیل بحران سرمایه داری هزار هزار قربانی می گیرد. موج اخراج ها با تمامی شتاب پیش می تازد و هر روز ده ها هزار کارگر را در خود غرق می سازد. مراکز کار و تولید پشت سر هم تعطیل می شوند و توده های کارگر فوج فوج به ورطه گرسنگی فرومی غلتند. کارگران در همه جا دست به مبارزه و مقاومت می زنند. اما مقاومت ها ضعیف، پراکنده، بی افق و ناکارآمد است. اتحادیه های کارگری دست در دست سرمایه داران و دولت ها به هر توطئه ای علیه کارگران دست می زنند و بختک وار راه تعرض آن ها علیه سرمایه را سد می کنند. این روند ماه ها است ادامه دارد و در دل همین روند است که اندک اندک بارقه های ضعیف همبستگی بین المللی کارگران علیه سرمایه نیز شکل می گیرد و نور امیدویی بر جنبش توده های کارگر می تاباند. نمونه بارز این همبستگی اقدام اعتراضی کارگران فرانسه علیه اخراج همزنجیران خود در بلژیک است. کارگران فرانسوی شرکت مخابراتی- اینترنتی آکاتل- لوسنت هفته گذشته به خیابان ها آمدند تا خشم و انزجار خود را علیه بیکارسازی همزنجیران خویش در بلژیک به معرض نمایش بگذارند. تا به همه کارگران دنیا بگویند که طبقه ما یک طبقه بین المللی است. ما همه بردگان مزدی لعنت شده سرمایه هستیم. کل سرمایه های جهان محصول استثمار کل آحاد طبقه ما در سراسر دنیا است. مبارزه هر کارگر علیه سرمایه در هر کجای این جهان جزئی از جنبش سراسری طبقه ما علیه نظام سرمایه داری است. نابودی نظام بردگی مزدی در گرو اتحاد انترناسیونالیستی توده های طبقه مان در سراسر جهان است. کارگران فرانسوی به خیابان ها آمدند

سرمایه و تولید افراطی جنایت

اطلاع کارگران در معرض اخراج برسانند. آن ها می گویند که خوشبختانه در ایران آگهی کار ندارند زیرا در آنجا حقوق ها از بلغارستان هم بسیار پایین تر است!! بوسال تولید کننده خودروهای شخصی، کامیون و اتوبوس است. در ابتدای کار یک مرکز توزیع کننده کالا بود و در سال ۱۹۲۳ در شهر آیکمار Aikmaar هلند تاسیس شد. ولی در حال حاضر مقر آن در Lummen واقع در استان لیمبورخ Limburg در کشور بلژیک است. این شرکت بین المللی بیش از ۶۷۰۰ کارگر را در ۴۲ حوزه تولیدی و ۲۷ مرکز پخش خود در سطح جهان استثمار می کند.

همین چندی پیش سرمایه داران کارخانه بوسال Bosal سازنده خودروهای شخصی، کامیون و اتوبوس در هلند به این جنایت دست زدند. مدیریت شرکت در سی ام ماه ژوئیه سال جاری به کارگران اعلام کرد که یا راهی بلغارستان شوند و با حقوق ماهیانه ۴۲۵ یورو در آنجا برای شرکت کار کنند و استثمار شوند و یا این که حکم اخراج خود را دریافت کنند. کارگران منطقه Annezin در شمال فرانسه علیه این جنایت شوریدند و اعلام کردند که از قبول آن سر باز خواهند زد. صاحبان سرمایه می گویند که باید آگهی های اشتغال را بین کارگرانی که در Annezin تهدید به اخراج شده اند توزیع کنند، زیرا بر اساس قانون فرانسه هر شرکت بین المللی که زیر بار قرض است باید آگهی کار سایر شعبات خود را نیز به

کدام روز را در تاریخ سپاه پرتوحش مالال از کارگرکشی و بشرستیزی سرمایه می توان پیدا کرد که اشکال بی شمار تازه ای از سببیت و جنایت در آن به ثبت نرسیده باشد؟ سرمایه هنگام بحران تولید جنایت خود را باز هم افراطی تر و ماورای افراطی می سازد. به آنچه این روزها سرمایه داران فرانسوی و هلندی و جاهای دیگر می کنند کمی نظر اندازید.

آن ها فقط اخراج نمی کنند. فقط دستمزدها را کاهش نمی دهند. در یک چشم به هم زدن کارگران فرانسوی، آلمانی و بلژیکی را مجبور می کنند که به کشورهایمانند بلغارستان، هند، رومانی و ترکیه بروند و ضمن کار در شرکت های تابعه آن ها دستمزدی معادل بهای ماورای ارزان نیروی کار این کشورها دریافت کنند.

مزدی آن کشورها پرداخت کنند. سومین تراست فرانسوی که در تدارک تحمیل همین طرح جنایتکارانه علیه کارگران تحت استثمار خود است کارخانه خودروسازی ایالت Elzas است. سرمایه داران این شرکت نیز به کارگران اخطار کرده اند که برای حفظ اشتغال خود باید به کشور رومانی بروند و در آنجا با حقوق ماهانه بسیار نازل ۱۱۰ یورو برای همین شرکت کار کنند و بالاخره چهارمین شرکتی که همین طرح را در دستور کار خود قرار داده کنسرن صنعتی Hénin است. در اینجا نیز سرمایه داران به کارگران فشار آورده اند که باید فرانسه را ترک گویند، به ترکیه بروند و در آنجا با حقوق ۲۳۰ یورو برای این شرکت کار کنند.

اوت ۲۰۰۹

به طور بیشرمانه ای با قیافه ای حق به جانب گفت که او هیچ تقصیری ندارد. قانون فرانسه این الزام را بر دوش کارگران گذاشته است. او راست می گوید. این فقط وی و سرمایه داران خونخوار نیستند که دست به این سبیت ها می زنند. قانون فرانسه، قانون «سرمایه داری دموکراتیک»!! قانون دموکراتیک ترین!! کشور سرمایه داری هم پشتوانه محکم همه این اشکال توحش سرمایه علیه کارگران است. در اینجا نیز قانون به سرمایه دار حق می دهد که به محض نیاز به سلاحی بیشتر نیروی کار و به محض احساس ضرورت قربانی ساختن کارگران در آستان سوداندوزی انبوه تر سرمایه، آن ها را هزار هزار به شرکت های تحت مالکیت خود در کشورهای حوزه نیروی کار ارزان اعزام دارند و دستمزد آن ها را بر اساس بهای نیروی کار ماورای ارزان بردگان

مدیریت کارخانه نساجی کارمن Carremen در Castres در جنوب فرانسه نیز دست به کار اعمال همین جنایت علیه کارگران شد. او نیز در یازدهم ماه مه همین سال به کارگران پیشنهاد داد که یا به هند بروند و نیروی کارشان را با بهای ۶۹ یورو در ماه به وی بفروشند و یا این که به اخراج و بیکاری خویش رضایت دهند!! کارگران ابتدا خزعلات شیرانه سرمایه دار را شوخی پنداشتند. اما بسیار زود دریافتند که او جدی می گوید. آنان در تجربه شخصی خود نخستین بار بود که با چنین شکلی از بربریت سرمایه مواجه می شدند. Veronique Jacobé کارگر ۴۴ ساله نساجی در روزنامه فرانسوی پارسیسین Parisien می گوید " این پیشنهاد آن قدر جنایتکارانه و غیرانسانی بود که برای من غیر قابل تصور و باور تلقی می شد ". مدیریت شرکت Carremen در مقابل حیرت کارگران

طرح اخراج ۸ هزار کارگر کنسرن مخابراتی Verizon در آمریکا

ماه ژوئن شمار مشتریان موبایل این شرکت با یک افزایش ۳۰ درصدی به مرز ۸۸ میلیون نفر رسید.

منبع: سایت بلگا (بلاژیک)

اوت ۲۰۰۹

ماهه دوم سال جاری تا ۲۱ در صد کاهش یافته است. سود خالص آنان در همین دوره ۱۴۸۰ میلیون دلار بوده است. سود ناخالص شرکت به دلیل خریداری آلتل کرپ Alltel Corp تا ۱۱ در صد افزایش داشته و به ۲۶۹۰ میلیون دلار بالغ گردیده است. وریزون بعد از خریداری آلتل کرپ در شمار بزرگ ترین شرکت های مخابراتی آمریکا قرار گرفته است. در اواخر

کنسرن عظیم مخابراتی وریزون Verizon در آمریکا اخراج ۸ هزار کارگر را طی چند ماه آینده در دستور کار قرار داده است. این خبر را شرکت به دنبال محاسبه سود و زیان خود در سه ماهه دوم سال جاری اعلام کرده است. سرمایه داران کنسرن مدعی هستند که به خاطر صرفه جویی های شمار زیادی از مشتریان در مکالمات تلفنی، سود آن ها در سه

کشته شدن بیش از ۷۶ کارگر کارخانه تولید برق آبی در سیبری

و مالی این انفجار به تفصیل بحث کرده اند. آنچه در قلم فرسایی ها آن ها جای چندانی احراز نکرده جان ۱۰۰ کارگری است که قربانی سرمایه شده اند. سرمایه در همه جا، در کارخانه، معدن، نیروگاه، دریا، کوه، دشت و هامون و کویر، در زمین و آسمان، در هر کجا که رابطه خرید و فروش نیروی کار وجود دارد، در بند بند جامعه مبتنی بر فروش نیروی کار، به طرق مختلف، در سوانح کار، بیماری، زیر فشار گرسنگی و فقر، در هر نقطه جهان قربانی می گیرد، می کشد، غرق می کند، آتش می زند و نابود می سازد.

اوت ۲۰۰۹

که به احتمال زیاد جزء کشته شدگان هستند. بر اساس اطلاع هنگام وقوع حادثه حدود ۳۰۰ کارگر در محل حضور داشته اند. این نیروگاه هر ساعت حدود شش میلیون و ۴۰۰ هزار کیلووات برق تولید می کند و از مهم ترین کارخانجات تولید برق در روسیه است. روزنامه ها نوشته اند که وقوع انفجار به ۱۰ مرکز دیگر تولید برق نیز خسارت سنگین وارد کرده است. تخریب لوله های آب در مناطق همجوار باعث ایجاد دریاچه و مرداب شده است. دیواره سد تامین کننده آب کارخانه تولید برق نیز دچار ترک شده و توربین اصلی به طور کامل از کار افتاده است. روزنامه های روسیه و جهان در باره خسارت های اقتصادی

سرمایه باز هم کشتار کرد. در اثر حادثه انفجار در بزرگ ترین کارخانه نیروی برق آبی در سیبری ۷۶ نفر از کارگران کشته، ۲۱ نفر زخمی و تعداد زیادی ناپدید شدند. روز دوشنبه چند تا از لوله های انتقال آب در نیروگاه معروف Savano-Sjoesjenskaja به دلیل انفجار ترکید. در یک چشم به هم زدن سیل راه افتاد و با تمامی قدرت و وسعت به سوی یکی از کارخانه ها سرازیر شد. در اینجا ۱۰۰ کارگر کار می کردند. سیلاب مرگ سرمایه همه این ۱۰۰ کارگر را در کام خود غرق کرد. همه شواهد حاکی است که اکثریت کارگران جان خود را از دست داده اند. تا کنون فقط جسد ۱۲ نفر پیدا شده است. ۶۴ تن دیگر ناپدید هستند

کشته شدن کارگر جوشکار در هلند در اثر سانحه کاری

مصدوم و معلول به علت شدت آسیب دیدگی در تمام عمر خانه نشین شده و از انجام کار بازمانده اند. طبق ارقام TNO شمار قربانیان ناشی از حوادث کاری در میان زنان کارگر به مراتب بیشتر از همکاران و همزنجیران مرد آنان بوده و هر سال نیز در حال افزایش است. در فاصله سال های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ تعداد زنان قربانی که به علت حوادث کاری جان خود را از دست داده یا معلول، بیمار و خانه نشین شده اند با افزایش سالانه ۱۳ درصد به ۱۰۰ هزار نفر رسیده است. در میان مردان کارگر در فاصله این سال ها تغییر زیادی مشهود نبوده است.

اوت ۲۰۰۹

جان سپرد. این فقط در جهنم سرمایه داری ایران نیست که جان کارگر ارزان ترین متاع بازار است. در هلند، فرانسه، آلمان و سوئد نیز اگر چه به رایگانگی ایران نیست اما باز هم سخت ارزان و بی بها است. هر ساله شمار زیادی از کارگران حین انجام کار برای سرمایه داران و دولت سرمایه داری هلند، دچار حادثه شده و جان خود را از دست می دهند. بر اساس ارقام سازمان TNO در هلند که آمار قربانیان سوانح کار را منتشر می کند، شمار کارگران مصدوم در حین استثمار توسط سرمایه فقط در همین هلند در سال ۲۰۰۷ میلادی به ۲۱۹ هزار نفر رسیده است. از این تعداد بیش از ۴۵۰۰ نفر به علت آسیب فراوان مجبور به بستری شدن در بیمارستان ها بوده اند و ۹۸ تن جان خود را از دست داده اند. بقیه کارگران

کارگر ۳۸ ساله ای از پرتقال به هلند آمد تا با فروش نیروی کار خویش امرار معاش کند و هزینه زندگی خانواده اش را فراهم سازد. او در یک شرکت جوشکاری مشغول کار شد. کارگر پرتغالی در روز سه شنبه ۱۸ اوت حین انجام کار به دام حادثه افتاد و جان خود را از دست داد. این کارگر حین جوشکاری در درون یک لوله به علت فقدان وسایل ایمنی و به خاطر استنشاق گازهای سمی ناشی از جوشکاری دچار خفگی و مشکل شدید تنفسی شد و در همان جا بیهوش گردید. همزنجیرانش لاشه نیمه جان او را از درون لوله بیرون آوردند و در حالتی بسیار بحرانی به بیمارستان منتقل کردند. گازهای سمی تا اعماق جان کارگر رسوخ کرده بود. او دقیقی پس از ورود به بیمارستان بر اثر شدت خفگی به حال مرگ افتاد و چند لحظه بعد

از سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری بازدید کنید:

WWW.HAMAAHANGI.COM

اخبار، گزارشات، و مطالب کارگری خود را به آدرس زیر ارسال کنید:

khbitkzs@gmail.com

منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران

هجوم نظام سرمایه داری به سطح معیشت کارگران روز به روز ابعاد وسیع تری می یابد و کارگران بیش از پیش به اعماق مرگ و نیستی رانده می شوند. در یک سوی جامعه، انباشت عظیم ثروت را می بینیم و، در سوی دیگر، شاهد گسترش فقر و فلاکت و بی حقوقی در مقیاسی بی سابقه هستیم. شکاف طبقاتی اکنون به چنان ورطه هولناک و مرگباری تبدیل شده که برای کارگران راهی جز جنگ مرگ و زندگی با سرمایه داری باقی نمانده است. این جنگ را خود سرمایه داری بر کارگران تحمیل کرده است و خودکرده را تدبیر نیست. روزی نیست که شاهد چندین تجمع و تحصن و اعتصاب و راه پیمایی کارگری علیه نظام سرمایه داری نباشیم. بستن جاده ها و قطع شریان های حمل و نقل سرمایه اکنون می رود که به یک سنت مبارزه طبقه کارگر ایران علیه سرمایه تبدیل شود.

با این همه و به رغم آن که کارگران در همه جا مطالبات یکسانی را مطرح می کنند، مبارزات آنان هنوز به زیر یک پرچم سراسری واحد گرد نیامده است. و یکی از علت های عدم شکل گیری قدرت متشکل و سراسری طبقه کارگر و بدین سان به نتیجه نرسیدن این همه مبارزه کارگری را در همین جا باید جست. پیداست که اگر مبارزه کارگران برای مطالبات پراکنده و محلی به مبارزه برای مطالبات طبقاتی سراسری و واحد ارتقا نیابد کارگران به رغم تمام جان فشانی ها و فداکاری های خود راه به جایی نخواهند برد. گام اول برای عقب نشاندن هجوم بی امان سرمایه به سطح معیشت کارگران برافراشتن یک پرچم یا منشور سراسری واحد حاوی مطالبات پایه ای طبقه کارگر است. پایه ای بودن مطالبات کارگران در این منشور به دو معناست: نخست به معنای سطح پایین و نازل مطالبات کارگران ایران نسبت به حقوق متعارف کارگران در بخشی از جهان و دوم به معنای مطالبات عمومی کل کارگران ایران که ارتقای مبارزات پراکنده کنونی شان به سطح مبارزه ای سراسری در وسیع ترین شکل آن- که خود شرط لازم مقاومت در مقابل هجوم سرمایه در شرایط کنونی است- درگرو تبدیل آن ها به پرچم واحد و سراسری طبقه کارگر است.

اما مهم تر از این ها توضیح این نکته است که کارگران مطالبات خود را از چه زاویه ای مطرح می کنند. نفس طرح مطالبه کارگران از سرمایه داران و دولت آن ها به معنای آن است که سرمایه داران حاصل کار و تولید کارگران است. مطالبه کارگران از سرمایه داران از بابت هیچ چیز نیست مگر از بابت کاراضافی ای که برای سرمایه داران انجام داده اند اما در ازای آن هیچ چیز نگرفته اند. بنابراین، کارگران با طرح مطالبات خود در واقع به سرمایه داران و دولت آن ها می گویند که آنان باید این مطالبات را از محل همین کار پرداخت نشده برآورده کنند. بدین سان، کارگران در همان مبارزه خودانگیخته خویش نظم سرمایه را به چالش می کشند و باید بکشند. کارگر در لحظه لحظه زندگی خود به گونه های مختلف این مضمون ضدسرمایه داری را بیان می کند که چرا باید من کار کنم اما یکی دیگر بخورد؟ چرا باید تمام ثروت جامعه را من تولید کنم اما خودم از آن کاملاً بی بهره باشم؟ این همان رویکرد و زاویه ای است که ما به مثابه بخش کوچکی از طبقه کارگر منشور حاضر را برمیاری آن تدوین کرده ایم.

مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران در شرایط کنونی عبارتند از:

- ۱- حداقل دستمزد ماهانه کارگران باید براساس ثروتی که آنان برای جامعه تولید کرده اند («تولید ناخالص داخلی») و اختصاص سهم هرچه بیشتری از این ثروت به ارتقای سطح زندگی و رفاه کارگران تعیین شود.
- ۲- تمام افراد زیر ۱۸ سال باید از محل ثروتی که کارگران برای جامعه تولید کرده اند حقوق ثابت ماهانه دریافت کنند.
- ۳- کارخانگی باید از میان برود، اما تا آن زمان باید به زنان خانه دار دستمزدی معادل دستمزد کارگران شاغل تعلق گیرد.
- ۴- تمام افراد جامعه باید از تأمین اجتماعی شامل حقوق بازنشستگی و از کار افتادگی و بیمه بیکاری برخوردار باشند.
- ۵- تمام بیکاران آماده کار باید مشمول بیمه بیکاری باشند. بیمه بیکاری نباید از حداقل دستمزد کارگران شاغل کمتر باشد.
- ۶- هر نوع قرارداد استخدام موقت باید ملغی شود.
- ۷- حقوق تمام شاغلان، بیکاران، زنان خانه دار و افراد زیر ۱۸ سال باید حداکثر تا بیست و پنج درصد هر ماه پرداخت شود.
- ۸- شاغلان در تمام مراکز کار و تولید در تمام شیفت های کاری باید از غذا و سرویس ایاب و ذهاب رایگان برخوردار باشند.
- ۹- مسکن مناسب با تمام امکانات رفاهی و ارتباطی و وسائل خانگی حق مسلم هر شهروندی است. تحقق این امر درگرو آن است که:
 - از ساختمان های تحت مالکیت دولت که اینک در اختیار نهادهای دولتی قرار دارند برای تأمین مسکن شهروندان استفاده شود.
 - دولت هر سال درصد معینی از بودجه را به احداث واحدهای مسکونی جدید برای شهروندان اختصاص دهد.
- ۱۰- بهداشت و دارو و درمان انواع بیماری ها باید رایگان باشد.
- ۱۱- آموزش و پرورش در تمام سطوح باید رایگان شود.
- ۱۲- حمل و نقل عموم مردم در سراسر جامعه باید رایگان شود.
- ۱۳- تمام مردم باید از مهد کودک رایگان استفاده کنند.
- ۱۴- همه سالمندان و معلولان باید به صورت رایگان تحت مراقبت قرار گیرند.
- ۱۵- کار کودکان و جوانان زیر ۱۸ سال باید به طور کامل ملغی شود.
- ۱۶- هرگونه تبعیض جنسی در مورد زنان باید از میان برود. برای تحقق این خواست باید:
 - زنان در تمام قوانین از جمله قانون کار، قوانین مربوط به ازدواج و قوانین کیفری با مردان حقوق برابر داشته باشند.
 - هر نوع دخالت دولت در تعیین نوع زندگی، روابط زن و مرد یا دختر و پسر و پوشاک زنان ممنوع شود.
 - ازدواج یا جدایی همسران از یکدیگر با توافق آزادانه و حق برابری کامل میان آنان صورت گیرد.
 - هرگونه ازدواج قبل از سن ۱۸ سالگی ممنوع شود.
- با ایجاد فرصت های شغلی برای زنان و امکاناتی رایگان چون شیرخوارگاه، مهدکودک، سالن غذاخوری و رخت شوی خانه به صورت گسترده و فراگیر در محل های کار و سکونت زمینه اجتماعی شدن کارخانگی فراهم شود.
- ۱۷- تمام افراد جامعه باید بدون هیچ قید و شرطی از آزادی های سیاسی از قبیل آزادی عقیده و بیان، آزادی نشریات و مطبوعات، آزادی اعتصاب، آزادی تجمع و تحصن و راه پیمایی و تظاهرات برخوردار باشند.
- ۱۸- ایجاد هرگونه تشکل از جمله تشکل ضدسرمایه داری و سراسری طبقه کارگر باید آزاد باشد.

کارگران علیه سرمایه متشکل شویم !
کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

اول ماه مه سال ۱۳۸۸

خبرنامه کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری را به

دست کارگران برسانید.

سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری به طور روزمره به روز شده و اخبار جدید کارگری در آن منتشر می‌گردد.

آدرس سایت را به اطلاع همه برسانید:

WWW.HAMAAHANGI.COM

برای تماس با ما نامه الکترونیکی خود را به آدرس زیر بفرستید:

khbitkzs@gmail.com

برای اشتراک این خبرنامه به سایت کمیته مراجعه کرده و آدرس الکترونیکی خود را در قسمت "خبرنامه سایت" وارد کنید. در صورتی که مایل به ادامه اشتراک نیستید، می‌توانید در همین قسمت خواهان حذف نام خود از فهرست مشترکین شوید.